

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

پنجشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۴ • ۸ رمضان ۱۴۴۷ • ۲۶ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۲۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۱۴ • طلوع آفتاب ۶:۳۷



مراسم پاسداشت و تکریم هنرمندان پیش‌گوت متولد آذر به همت مؤسسه هنرمندان پیش‌گوت، شامگاه سه‌شنبه ۵ اسفند با حضور جمعی از هنرمندان در مؤسسه هنرمندان پیش‌گوت برگزار شد. در این مراسم، مهین‌دخت میهن، اسماعیل آذر، اسماعیل خلج، اسداله یکتا و آرتا لاجینی در کنار دیگر هنرمندان مورد تجلیل قرار گرفتند. عکس: محسن رضایی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

۶۰ توسعه از دید وزیران نیرو؛ در جست‌وجوی آب



مهدی زارع

بارش‌هاست، بسیاری از رودخانه‌ها رژیم سیلابی دارند و بدون احداث سد، آب شیرین به هدر رفته یا باعث خسارت می‌شود. او سدسازی را راهی برای ذخیره‌سازی رواناب‌ها در فصول پربارش و استفاده از آن در فصول خشک می‌داند و معتقد بود این نیاز در شرایط تغییر اقلیم تشدید هم می‌شود. بیطرف برای نشان‌دادن محدودیت‌ها تعداد سدهای ایران، به آمارهایی اشاره می‌کرد:

«در کشور چین... تعداد ۹۰۰۰۰ (نود هزار)... سدهای بزرگ و کوچک ساخته شده است. در آمریکا... تعداد ۷۵ هزار سد...». درحالی‌که به گفته او، کل سدهای ایران حدود ۶۵۰ سد بوده است. البته نقش سیاست‌های سدسازی دوران او در تسریع خشک‌شدن دریاچه ارومیه قابل ذکر است. عیسی کلانتری در نامه‌ای به رئیس‌جمهور در سال ۱۳۸۲ نوشت: «با احداث سدهای مهاباد، زرینه‌رود، علوان و... که به هر دلیل مانع ورود صدها میلیون مترمکعب آب به دریاچه ارومیه شده... سه سد بزرگ شهرچای، ستارخان و سلماس... در دست احداث هستند که احتمالاتا دو سال دیگر به بهره‌برداری خواهند رسید و باز هم ورود آب به دریاچه را صدها میلیون مترمکعب دیگر کاهش خواهند داد...». او پیش‌بینی کرد که دریاچه طی ۱۵ تا ۲۰ سال آینده به سرنوشت دریاچه آرال دچار می‌شود.

سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد در حوزه آب، ادامه‌دهنده رویکرد توسعه‌محور دهه‌های قبل بود. از سوی دیگر روند مخرب دیگر در

دولت‌های احمدی‌نژاد گسترش یافت؛ افزایش برداشت از منابع آب زیرزمینی مهم‌ترین و مخرب‌ترین اقدام در این دوره بود که با صدور مجوز برای حفر چاه‌های جدید و قانونی کردن چاه‌های غیرمجاز همراه بود. براساس آمار، بیلان منفی آب‌های زیرزمینی کشور از منفی ۴۵ میلیارد مترمکعب تا سال ۱۳۸۴، در هشت سال دولت‌های نهم و دهم با منفی ۷۵ میلیارد مترمکعب افزایش یافت و به منفی ۱۲۰ میلیارد مترمکعب رسید. این به معنای برداشت ۷۵ میلیارد مترمکعب بیشتر از ظرفیت سرفه‌های آب زیرزمینی در این دوره است.

در حوزه دریاچه ارومیه در مجموع، ۸۸ سد بزرگ و کوچک بر روی رودخانه‌های منتهی به دریاچه ارومیه احداث شد که عامل اصلی کاهش شدید ورودی آب به دریاچه بودند. سدهای «قرل‌داغ ماگوه» و «سیلوه» از جمله پروژه‌هایی بودند که در این دوره به بهره‌برداری رسیدند. در سال ۱۳۸۵، بحران دریاچه ارومیه به‌طور رسمی به احمدی‌نژاد گزارش شد، اما اقدام مؤثری از سوی دولت انجام نشد. مجید نامجو، وزیر نیروی دولت دوم احمدی‌نژاد، نقش سدها در خشک‌شدن دریاچه را تنها ۱۵ درصد دانست و علت اصلی را خشک‌سالی و تغییرات اقلیمی اعلام کرد. در شهریور ۱۳۹۰، محمود احمدی‌نژاد در جمع مردم اراک گفت: «۵۰۰ سال پیش هم وضعیت دریاچه ارومیه همین بود... خشک شدن ارومیه، هر ۵۰۰ سال اتفاق می‌افتد». این سخنان نشان‌دهنده نبود درک عمق فاجعه و

بی‌توجهی به نقش عوامل انسانی در ایجاد بحران بود. ساخت پل میان‌گذر یکی از عوامل تشدیدکننده خشکی دریاچه ارومیه، بدون در نظر گرفتن استانداردهای محیط‌زیستی بود که باعث اختلال در گردش طبیعی آب دریاچه شد. این پروژه در دوره وزارت مجید نامجو تکمیل و بهره‌برداری شد.

اظهارنظر محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۹۰ مبنی بر اینکه «مناطق ممنوعه دیگر یعنی چه؟ این زمین‌ها دکان وزارت نیرو است و هرکس هر کجا توانست، چاه حفر کند»، عملاً موجب شد حفاری چاه در کشور تا سه برابر افزایش یابد. مصوبه دولت برای قانونی کردن چاه‌های غیرمجاز حفرشده قبل از سال ۱۳۸۵، باعث شد حدود ۷۰ درصد چاه‌های غیرمجاز کشور در بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ حفر شود. در حوزه آبریز دریاچه ارومیه نیز هزاران حلقه چاه غیرمجاز (براساس برخی آمارها بیش از ۱۷ هزار حلقه) سرفه آب زیرزمینی این حوزه را تا حد زیادی تخلیه کرد. از سوی دیگر احداث و بهره‌برداری از سد گتوند که بر روی یکی از بزرگ‌ترین توده‌های نمکی زاگرس ساخته شد و سپس از آب‌گیری، کیفیت آب رودخانه کارون را به‌شدت کاهش داد، در دوران احمدی‌نژاد انجام شد. در مدت ۶۰ ساله گذشته و پس از شروع برنامه اصلاحات ارضی در ایران، نبود درک صحیح از اهمیت مسئله در سطوح بالای تصمیم‌گیری و توسعه‌ناپایدار کشاورزی و اتکای شدید آن به منابع آب سطحی و زیرزمینی از طریق سدها و چاه‌های عمیق هم‌زمان با تغییر اقلیم و خشک‌سالی‌ها علاوه بر مشکلات محیط‌زیستی به پیامدهای اجتماعی-اقتصادی و ایجاد تنش‌های اجتماعی و قومی انجامیده است.

یاد

عبدالمجید ارفعی درگذشت



درگذشت عبدالمجید ارفعی، عیلام‌شناس برجسته و از واپسین کتیبه‌خوانان خط میخی عیلامی در جهان، تنها خاموشی یک استاد دانشگاه نبود؛ خاموشی صدایی بود که دهه‌ها کوشید متون خاموش هزاران ساله را دوباره به سخن درآورد. او ششم اسفند ۱۴۰۴ در ۸۶سالگی چشم از جهان فروبست؛ درحالی‌که

همچنان در حسرت بازگشت و خوانش کامل باقی‌مانده الواح هخامنشی مانده بود؛ الواحی که بخشی از آنها هنوز در آمریکا نگهداری می‌شود.

ارفعی در ۹ شهریور ۱۳۱۸ در کنوی بندرعباس زاده شد. خانواده‌اش ریشه در لارستان فارس داشت؛ خانواده‌ای که دلبستگی به ایران و فرهنگ ایرانی در آن برترنگ بود. پدرش، میرعبدالله ارفعی، شیفته هویت ایرانی بود و همین شیفتگی در شکل‌گیری مسیر علمی فرزندش بی‌تأثیر نماند. ارفعی کودکی و نوجوانی را در بندرعباس و یزد گذراند و سپس به تهران آمد. تحصیل در دبیرستان‌های منوچهری و البرز و بعد ورود به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، مسیر او را به سوی حوزه‌های دشوار و تخصصی سوق داد؛ زبان‌های باستانی.

مطالعه آثار ابراهیم پورداود علاقه او به ایران باستان را جدی‌تر کرد. با راهنمایی استادانی مانند پرویز ناتل‌خانلری و سپس عیلام‌شناس نامدار، ریچارد هلک، در سال ۱۳۴۴ راهی ایالات متحده شد و در دانشگاه شیکاگو به تحصیل زبان‌های اکدی (بابلی نو) و عیلامی پرداخت. بیش از هشت سال پژوهش فشرده در مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو، او را در شمار معدود پژوهشگرانی قرار داد که توانایی خواندن مستقیم متون میخی عیلامی را داشتند؛ مهارتی که حتی در سطح جهانی نیز کمیاب است. ارفعی پس از دفاع از رساله دکتری، در سال ۱۳۵۳ به ایران بازگشت تا دانش خود را در خدمت پژوهش‌های ملی قرار دهد.

نام او بیش از هر چیز با دو عرصه مهم گره خورده است: ترجمه استوانه کوروش و خوانش و ترجمه لوح‌های گلی تخت جمشید. ارفعی نخستین پژوهشگری بود که متن استوانه کوروش را مستقیماً از زبان بابلی نو به فارسی ترجمه کرد؛ ترجمه‌ای مبتنی بر خوانش دقیق واژگان اکدی و در نظر گرفتن زمینه تاریخی فتح بابل.

اما شاید مهم‌ترین سهم ارفعی در حوزه عیلام‌شناسی، مشارکت در خوانش و ترجمه بخشی از لوح‌های گلی باروی تخت جمشید باشد؛ اسناد اداری دوره هخامنشی که عمدتاً به زبان عیلامی و به خط

میخی نگاشته شده‌اند. این گل‌نشته‌ها اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار اقتصادی، نظام توزیع جیره، نیروی کار، مسیرهای ارتباطی و سازمان اداری شاهنشاهی هخامنشی ارائه می‌دهند. ترجمه و تحلیل این الواح نشان داد که زبان عیلامی یکی از زبان‌های رسمی و اداری آن دوره بوده و سازوکار حکومت

هخامنشی بر شبکه‌ای پیچیده و منظم از مدیریت منابع استوار بوده است. حاصل بخشی از این کوشش‌ها در کتاب سه‌جلدی «گل‌نشته‌های باروی تخت جمشید» منتشر شد؛ اثری که به‌عنوان یکی از منابع مرجع در این حوزه شناخته می‌شود.

ارفعی تنها یک مترجم نبود؛ او پلی بود میان زبان‌شناسی تاریخی، باستان‌شناسی و تاریخ سیاسی. در کنار این فعالیت‌ها، ارفعی نقشی فعال در روند بازگشت الواح هخامنشی از آمریکا به ایران داشت. این گل‌نشته‌ها دهه‌ها پیش برای مطالعه به مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو سپرده شده بودند. با پیگیری‌های حقوقی و علمی، بخشی از آنها در سال‌های اخیر به ایران بازگردانده شد. ارفعی با اعتبار علمی خود در این مسیر اثرگذار بود و پس از استرداد بخشی از الواح در سال ۱۴۰۲، دربارۀ تعلیل در بازگرداندن باقی‌مانده آنها انتقادهایی صریح مطرح کرد. او تا واپسین ماه‌های زندگی، پیگیر سرنوشت این اسناد بود؛ اسنادی که آنها را بخشی از حافظه مکتوب ایران می‌دانست.

تلاش‌های او با قدردانی‌هایی نیز همراه شد. در سال ۱۳۹۴ جایزه «سرو ایرانی» در حوزه میراث فرهنگی به او اهدا شد و در خرداد ۱۴۰۱ نشان «خورشید یونسکو» و نشان ایگوم ایران را دریافت کرد؛ نشانه‌هایی از جایگاه رفیع او و در پاسداشت میراث فرهنگی. با این‌همه، زندگی ارفعی فقط در کتابخانه و پشت میز پژوهش خلاصه نمی‌شد. او با لهجه لارستانی و گویش اُجُمی سخن می‌گفت و به زبان‌های بومی دلبستگی داشت.

عبدالمجید ارفعی را می‌توان از آخرین بازماندگان نسلی دانست که با دانش عمیق زبان‌شناسی تاریخی و صبوری در خوانش نشانه‌های میخی، پلی میان سنگ‌نکارها و جامعه امروز ساختند. در روزگاری که شمار متخصصان خط میخی عیلامی در جهان اندک است، فقدان او خلا جدی‌ای در عیلام‌شناسی ایران و جهان بر جای می‌گذارد. او عمر خود را صرف خواندن صدای خاموش گل‌نشته‌ها کرد؛ صدایی که به باری او، بار دیگر در تاریخ ایران طنین انداخت.

هنرخوانی

از اجرای مکتب تا گرانی بلیت سینما

اکران نوروزی سینماها از ۲۳ اسفند آغاز خواهد شد و قرار است قیمت جدید بلیت هفته آینده مشخص شود. طبق پیگیری ایسنا، قیمت پیشنهادی اصناف سینمایی ۲۵۰ هزار تومان بوده و در سازمان سینمایی قیمت ۱۵۰ هزار تومان مطرح شده است و در نهایت احتمالاً رقمی بین این دو عدد تعیین می‌شود.

به این ترتیب روزهای فروش بلیت نیم‌بها به‌جز سه‌شنبه، یکشنبه هم خواهد بود و سه روز دیگر یعنی شنبه، دوشنبه و چهارشنبه از صبح تا ساعت ۱۷ بلیت سینماها نیم‌بها به فروش می‌رسد.

آخرین اطلاعات غیررسمی اما تاییدشده درباره متقاضیان اکران نوروزی هم حاکی از قطعی شدن فیلم‌های «نیم‌شب»، «بهشت تیه‌کاران»، «بامبولک ۲»، «زنده‌شور» و «قایق سواری در تهران» است. البته سازندگان فیلم «زنده‌شور» قصد دارند در تدوین دوباره، بخش‌هایی از فیلم را کوتاه کنند تا مناسب اکران عمومی باشد. فیلم «اسکورٹ» هم در صورت اعلام آمادگی برای رستادن به‌موقع نسخه نهایی، دیگر فیلم اجتماعی اکران نوروز خواهد بود.

همچنین فیلم «تیتیک» در کنار «قایق سواری در تهران» یکی دیگر از فیلم‌های کم‌دی متقاضی است که اگر مشکل حقوقی آن برطرف شود، به بسته اکران نوروزی اضافه می‌شود؛ در غیر این صورت فیلم «تاکسیدرمی» جایگزین آن خواهد شد. این تئاترها نیز در سالن‌های مختلف اکران می‌شوند: نمایش «تل‌خاب» به نویسندگی رها پوررحمتی با کارگردانی عباس اقسامی و تهیه‌کنندگی مشترک سعید آقاخانی و محسن عباسی روایت ملکه‌ای در دربار قاجار است که زیر فشار نازایی و قدرت، با سفری کابوس‌وار به روان خود و مواجهه با ترومای پدری، امکان رهایی و باززایی را نه در تن که در آگاهی می‌یابد. این نمایش تا ۱۲ اسفند ساعت ۱۹:۳۰ در سالن اصلی تالار مولوی

رویداد شده. امروز پنجشنبه هفتم اسفندماه در سالن اصلی برج آزادی برگزار می‌شود و نمایش موزیکال و کودکانه «آهای دیوه‌ا کجایی؟» به نویسندگی و کارگردانی الهه پورعلی از ۳۰ بهمن تا ۲۹ اسفند ساعت ۱۶ در سالن استادمحمد پردیس تئاتر تهران روی صحنه می‌رود. نمایش موزیکال و کودکانه «آهای دیوه‌ا کجایی؟» با زمان ۴۵ دقیقه، روایتی شاد و پرماجرا از قصه «نخودی» است.



همچنین نمایش «مکتب» به کارگردانی سیما شکری تجربه‌ای زنده از بازیگری و بدن در تئاتر معاصر است و این اثر معروف شکسپیر پس از یک سال تمرین مستمر با حضور ۲۰ هنرجوی بازیگری، این روزها اجرا می‌شود. این اثر که دراماتورژی و تنظیم نهایی آن نیز توسط کارگردان انجام شده، تلاشی است برای بازخوانی یکی از ترازوی‌های کلاسیک جهان با زبانی بدنی. امروزی و چندلایه. در این اجرا، از مجموعه‌ای از روش‌ها و تکنیک‌های بازیگری استفاده شده است. میزانش‌ها و دگرگونی‌های فیزیکی، همچون ضرباهنگی زنده، روایت را پیش می‌برند و به مخاطب اجازه می‌دهند «مکتب» را نه تنها بشنود، بلکه ببیند، حس کند و در آن تنفس کند.

«مکتب» بیش از آنکه تنها بازتولید یک ترازوی شکسپیری باشد، تجربه‌ای آموزشی، پژوهشی و زیبایی‌شناختی است؛ سفری به درون جهان تئاتر معاصر که مرز میان آموزش و اجرا، ذهن و بدن، تخیل و واقعیت را حذف می‌کند. زمان اجرای نهایی این نمایش ۷۰ دقیقه است و این نمایش از پنجم اسفند در تماشاخانه صحنه آبی به روی صحنه رفت. مهدیه اسماعیل‌پور مقدم، احسان بهشتی، امین جمشیدی، سحر حسنعلی‌زاده، علی خلیلی، شهاب دستکی، ماندانا رضایور، مهدی سیدی، نوشین شفیعی، علیرضا شیرازی، محمود شیرین، عرفان کرکانی، یاور محمدی، سیمیه محمودی‌یکتا، محمدسجاد منوچهری‌راد، محمدحسن موسی‌خانی، حسام ناطقی و مهسا نعیمی بازیگران این اثر هستند.